

### گام های مهم در داستان نویسی عبارتند از :

شخصیت پردازی

ماجرای (موضوع) داستان

فضا سازی : ماجرا و شخصیت ها را در زمان و مکان معینی قرار دهیم و برای آن فضای شاد، اندوه، ترس، دوستانه .... ترسیم کنیم .

روایت : در روایت دو نکته قابل توجه است :

الف : شیوه بیان : روشی را برای بیان انتخاب کنیم جذاب و گیرا باشد : جدی ، طنز ، عاطفی و احساسی ...

ب : زاویه دید : ماجرای داستان از دید چه کسی روایت می شود : اول یا شوم شخص .

### مفهوم عبارت زیر چنین است :

اعمال ما ، ما را می سوزانند ، ولی تابندگی ما از همین است .

معنی : اعمال و رفتار ما وجود ما را می سازد و باعث شکوه و بزرگی ما می شود .

### نقش دستوری عبارت های مشخص شده بیان می شود :

بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی آتش کسی را بوی عود آمد

جواب به ترتیب : منادا / مفعول / مسند

روزی خسرو را در خیابان دیدم : جواب : قید / مفعول / متمم

### مفهوم کنایه عبارت زیر :

کمیت کسی لنگ بودن : ضعیف و ناتوان بود

سپر انداختن : تسلیم شدن

خشت می زد : پر حرف بود

### آرایه مهم بیت زیر عبارت است از :

زینهار از قرین بد ، زینهار و قنار بنا عذاب النار : جواب : تضمین

### معنی لغات در عبارات مشخص شده را می نویسیم :

من گوش استماع ندارم ، زیر پلاسی مندرس بی سر و صدا جنان سپرد ، دمی آب خوردن بعد از بدسگال ،

انشای ارتجالی خسرو را می گفتم . فی الجملة نماند از معاصی منکری که نکرد . خسرو استعداد فیاض داشت .

به ترتیب : شنیدن / لباسی کهنه / بد اندیش / بدون فکر قبلی / خلاصه / گناه / کار زشت / بسیار

**- با توجه به ابیات به سوالات پاسخ می دهیم :**

تهمتَن به بند کمر برد چنگ      گزین کرد یک چوبه تیر خلدنگ  
به رستم بر آنکه بیارید تیر      تهمتَن بدو گفت : بر خیره خیر  
کمان را به زه کرد زود اشکبوس      تنی لرز لرزان و رخ سندروس  
کشانی بدو گفت با تو سلیح      نبینم همی جز فسوس و مزیح  
کشانی بخندید و خیره ماند      عنان را گران کرد و او را بخواند

**- عبارات های مشخص شده را به ترتیب معنی می کنیم :**

تیر سفت و محکم / بیهوده / چهره زرد ( ترسیدن ) / شوخی کردن / افسار

- تهمتَن به معنی : شجاع و قوی است / لقب رستم است

- کمان به زه کردن : کنایه است ( آماده کردن ) / زود = قید / لرز لرزان = واج آرایی دارد و کنایه از ترسیدن

- سلیح ، مزیح = مُمال

- بیت آخر = طنز دارد

- عنان را گران کردن : کنایه از توقف کردن اسب

**حفظ شعر :**

چو هنگامه آزمون تازه شد      دگر باره ایران پر آوازه شد  
به مردی به میدان نهادند روی      جهان شد از ایشان پر از گفتگوی

**- اجزای جمله مرکب را مشخص می کنیم :**

تا با خاک انس نگیری ، راهی به مراتب قرب نداری

تا : حرف ربط وابستگی

با خاک انس نگیری : جمله پیرو ( وابسته )

راهی به مراتب قرب نداری : جمله پایه ( هسته )

**بیت زیر به کدام ویژگی دستور تاریخی اشاره دارد :**

بگیر و به گیسوی او بر بدوز      به نیک اختر و فال گیتی فروز

جواب : آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم = گیسوی او = متمم

**- معنی واژگان مشخص شده را می نویسیم :**

اینجا آینه تجلی همه تاریخ است . بعد از خاندن دعای فرج و توسل ... خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنا

خالق است . تا با خاک انس نگیری راهی به مراتب قرب نداری

معنی به ترتیب : آشکار شدن / گشایش / بی نیازی / نزدیکی

## معنی ابیات زیر عبارتند از :

تو قلب سپه را به آیین بدار      من اکنون پیاده کنم کارزار

معنی : تو با روش خود از میانه های سپاه مواظبت کن من اکنون پیاده به جنگ می پردازم .

**بشد تیز رهام با خود و گبر      همی گرد رزم اندر آمد به ابر**

معنی : رهام فوراً با ابزار جنگی حرکت کرد و از این حرکت او گرد و خاکی بلند شد که جلوی ابر را گرفت .

بررسی نکات :

تیز : قید

خود و گبر : متمم / مراعات نظیر دارد

مصراع دوم : اغراق دارد .

**کشانی به او گفت بی بارگی      به کشتن دهی سر به یکبارگی**

معنی : کشانی به او گفت اگر بدون اسب جنگ کنی باعث کشتن خود می شوی

باره : اسب

**یکی تیر زد بر بر اسب او      که اسپ اندر آمد ز بالا به روی**

معنی : یک تیر به سینه اسب اشکبوس زد که اسب از بالا بر روی زمین افتاد

بر و بر : جناس تام دارند

بالا و روی : تضاد

موفق باشید

قاصد روزان ابری دارو کج می رسد باران ...